

شہید احمد علی نژاد



	نام پدر
۹ / ۰۳ / ۱۳۳۸	تاریخ تولد
بوشهر - دشتستان	محل تولد
۲۳ / ۴ / ۱۳۶۰	تاریخ شهادت
منطقه شلمچه	محل شهادت
فرماندهی گروهان	مسئولیت
سپاه	نوع عضویت
پاسدار	شغل
	تحصیلات
گلزار شهدا شهر دالکی	مدفن

زندگینامه

زندگی نامه پاسدار شهید احمد علی نژاد:

شهید احمد علی نژاد در تاریخ ۹ تیر ماه سال ۱۳۳۸ در قریه دالکی از توابع دشتستان در یک خانواده متوسط و مذهبی متولد شده زمانی که کودکی بیش نبود روحی سرشار از عاطفه و گذشت داشت. ۶ ساله بود که به مدرسه می رفت و در همان زمان به خواندن قرآن و نماز و گرفتن روزه علاقه بسیار داشت و در مجالس روضه خوانی و سینه زنی و عزاداری ائمه اطهار (ع) خصوصاً سرور و سالار شهیدان حضرت امام حسین(ع) شرکت می کرد. از اوایل انقلاب به طور فعال در راهپیمایی ها شرکت می کرد. بعد از پیروزی انقلاب نیز در برگزاری کلیه مراسمات شرکت فعال و بسزایی داشت. از بدو تأسیس در بسیج دالکی به طور مستمر و فعال شرکت داشت و در اکثر اوقات تا چند روز اصلاً به خانه نمی رفت. وقتی از او سؤال می شد چرا لااقل سری به خانه نمی زنی جوابش این بود که اگر حالا من به خانه بیایم پس کی در بسیج بمانم تمام وجودش را بسیج پر کرده بود. شهید احمد علی نژاد دارای اخلاق و رفتاری پسندیده بود و به نظم و انضباط در امور زندگی اهمیت بخصوصی می داد و همیشه دیگر برادران و همزمانش را به رعایت آن تشویق می کرد. در ابتدای جنگ تحمیلی با اولین گروه اعزامی از دالکی راهی جبهه های حق علیه باطل شد و در تاریخ دی ماه سال ۱۳۵۹ در جبهه سوسنگرد گروه مقاومت را رها نمود و به عضویت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برازجان در آمد. پس از اتمام دوره آموزشی سپاه مجدداً به جبهه اعزام گردید و دو ماه در جبهه سوسنگرد بود. پس از بازگشت، در سپاه مجدداً به فعالیت خود ادامه داد و بعد از چند روز دوباره رهسپار جبهه های نور علیه ظلمت شد و سرانجام در شب قدر، در حمله رمضان، در شلمچه، در حالی که فرماندهی گروهان را برعهده داشت، بر اثر ترکش خمپاره صدامیان در مورخه ۲۳/۴/۱۳۶۰ به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

وصیت نامه

وصیت نامه شهید احمد علی نژاد:

به نام الله و به حرمت خون شهدا

نام: احمد - نام خانوادگی: علی نژاد - اعزامی از سپاه شیراز - از شهرستان برازجان روستای دالکی «گروهان شهید چرامی»

سلام و درود بر تمامی شهیدان صدر اسلام هر کجا باشید اگر چه در کاخ های بسیار محکم مرگ شما را فرامی خواند و از مرگ به هیچ چاره ای رهایی نیست (قرآن کریم) و با درود فراوان به رهبر کبیر انقلاب امام خمینی که آن چنان با دید مکتبی خود علیه تمام مستکبران جهان می شورد و آن چنان قهرمانانه از کشور اسلامیمان دفاع می کند و پوزه تمام ضد اسلامیان را آن طور که خداوند راضی است به خاک می مالد. آرزو دارم نمیرم تا هنگامی که دشمن را به لرزه نیندازم. نمی خواهم به سادگی کشته یا مجروح شوم. باید دگرگون کنم. باید عصیان کننده های در برابر حق را به جای خودشان بنشانم تا بفهمند اسلام - آن هم اسلام راستین - پیروی از خط امام خمینی است و بسی.

و تو ای امام از ما راضی باش که برای احیای دین و دفاع از حسین زمان تمام اعضا و دل و جانمان را هدیه می دهیم تا اسلام و قوانین حیاتبخش آن سراسر جهان گسترش یابد و با آگاهی و با شناخت و یقین به سوی جنگبه سوی جهاد، به سوی شهادت و به سوی سعادت می شتابیم.

مادر، خواهش دارم از شما که برای من گریه نکنید که سیاه قلبان شاد می شوند. و تو ای پدر عزیز دست های پینه بسته ات را از راه دور می بوسم مرا ببخش. شما در حق من محبت ها کرده اید. پدر برای من گریه نکن و مادرم را دلداري بده. از خدا می خواهم تا شما را یاری دهد تا آن چه در توان دارید در راه اسلام جانفشانی کنید و به من توان بدهد که بتوانم تا آخرین قطره خونم در راه اسلام بجنگم به منافقین بگویند شمایی که برای رسیدن به اهداف باطلتان از هر دروغ و افترای روگردان نیستید رویتان سیاه باد. شمایی که به جای عزت و سرافرازی، ذلت و بدبختی را انتخاب کرده اید قلبتان سیاه باد. مادرم برای من ناراحت مباش. و به آن کسانی که این راه را دیوانگی می پندارند بگویند تأسف برای خودتان بخورید ای مشرکین! خدا یا آمرزشت را می جویم و با عشق به تو با قلبم و روحم و تمام وجودم پشت سر امام خمینی ایستاده ام و به گفته ایشان شهادت بر زیر بار استعمار رفتن ترجیح می دهم.

والسلام

پاسدار احمد علی نژاد



سازمان جامع اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران